

دکتر بصیر کامجو
سپتامبر 2012 م .

شباحت های معرفت عرفانی عطارنیشابوری و خواجه عبدالله انصاری



انگیزه معنوی انتخاب راه زهد و تقوی و گوشه گیری عطار تحول روحی و راز درونی ای است که در عمر او برایش رخ داد و به عرفان روی آورده .

عطارد در این برهه از زمان که سرمایه بزرگی از علم و معرفت فرهنگ پیر سرزمین ما اندوخته بود اندیشه ها و رویکرد های عرفانی خود را در قالب منظوم و منثور در آورد و با این کار بزرگ توانست که گنجینه معرفت عرفانی اسلافش همچو شایق بلخی ، ابراهیم ادهم و بایزید بسطامی ، ابوسعید ابوالخیر و خواجه عبدالله انصاری و سنائی غزنوی را با تفکر نیوغانه خویش غنایمند سازد.

عطارنیشابوری قسمتی از عمر خود را بر رسم سالکان طریقت به سیر آفاق و انفس گذراند. و آثار پرارزشی را بوجود آورد .

منطق الطیر که یکی از مثنوی های ناب عرفان عملی و نظری خراسان و اسلام بشمار می آید. عطارد در این اثر منظوم مفاهیم عرفانی و شناختن راز های هستی را با الهام از کتب « منازل السائرین » و « صد میدان » ... خواجه عبدالله انصاری ، در هفت منزل (طلب ، عشق ، معرفت ، استغنا ، توحید ، حیرت و فقر) بتشریح می گیرد . (1)

عطار در این شرح عرفانی تلاش می ورزد تا سیر و سفر سالم به سوی معرفت و کمال حق را در دائرۀ داستان تمثیلی «سی مرغ» به تصویر کشد.

عطار در بیان داستان عرفانی «سی مرغ» از شیوه های معرفت عرفان عملی مقامات معنوی «سالک طریق» خواجه عبدالله انصاری نیز سود می برد.

با تفاوت اینکه در سیستم فکری انصاری شناخت موضوع اندیشه و جهان بینی وی را درک حقایقی از گونه های صفایی نفس احتوا می کند که توسط سالک طریق بعد از وصل وصال به ذات حق و مقام توحید دست می دهد.

نزد انصاری «حقیقت»، ذات حق است و آن بوسیله عقل عملی غیر قابل شناخت می باشد. او می افزاید که سهم و قدرت تفکر انسان منحیث وسیله شناخت در رسیدن به منزل مقصود سالک طریق برجسته شده است، نه در شناخت حقیقت مطلوب.

اما در نگرش داستانی دریافت «سی مرغ» نزد «عطار» شناخت «حقیقت» هدف است که در دنیای باطن انسان قرار دارد و او آنرا قابل شناخت می داند. مگر او در این بحث قدرت مغز و تفکر خلاق انسان را در شناخت «حقیقت» برجسته ساخته و مراحل گذار از وادی هفت گانه سیر پرواز، که همانا روند بستر شناخت است، تکرار یکی از وسایل دست یازی به کشف «حقیقت مطلق» می داند که همان «سی مرغ» یا «مقام حق» است.

عطار در شرح این سخن آورده است:

من زبان و نطق مرغان سر به سر

با تو گفتم فهم کن ای بی خبر

در میان سالکان مرغان درند

کز قفس پیش از اجل بر می پرند⁽²⁾

منظور عطار در این داستان همان دریافت «حقیقت» یعنی «خدا» است، که در درون هر انسان وجود دارد و این سخن در زینه بالاتر یعنی آنکه خدا در درون ماست! کافی است آن را بجوییم تا بیابیم⁽³⁾.

اسلوب خدا شناسی عطار در بیان «داستان سیمرغ» در هفت منزل

سیر پرواز بسوی مقام حق، از دید معرفت عرفانی و معنایی: مفهوم ها، مقصودها، دیدگاهها، اصلها و رشتهها و مدلولها و مضمونها؛ با آموزش عرفانی و خداشناسی انصاری در کلیت شباحت زیاد دارد.

خواجه عبدالله انصاری در پیش سخن رساله «صدمیدان» در مورد مینویسد:

"... و آن هزار مقام منزلهاست که روندگان بسوی حق می روند، تا بنده را درجه درجه می گذرانند و بقبول و قرب حق تعالی مشرف می شوند، یا خود منزل منزل قطع می کند تا منزل آخرین که آن منزل ایشان را مقام قرب است؛..."⁽⁴⁾

افق اندیشه عطار چراغ های رابطه روشن فرآیند شناخت (حرکت و زمان و مکان) وسایل شناخت (نیروی تفکر انسان) و ممکنه های راه رفت به سمت حقیقت (نیروی عامل و فضای پرواز) و موضوع شناخت (دریافت حقیقت) را بانگاه ژرف مورد تأمل قرار می دهد. و در این دآوری عطار معکوس اسلوب معرفت عرفانی خواجه، راه معرفت عقلانی را جاگزین اسلوب ارزشهای ایمانی و باطنی می سازد و طرح های نوین شیوه داستان عرفانی را به نسل های بعدی عاید برشناخت دنیای باطن آدمی هموار می سازد.

عطار در آموزش عرفانی خویش عشق را در بر بستن کامل آن با درد معرفی می کند. از نظر وی «عشق و درد» چنان باهم در آمیختگی دارند که «آغاز و انجام» این دو ریشه متناسب به اصل همدیگرند. گر تو هستی اهل عشق و مرد راه

درد خواه و درد خواه و درد خواه⁽⁵⁾

مرام این رویکرد در اندیشه عطار نه نفی اسلوب راهکارهای عقلانی و توسل به خواست های احساسی دنیای نهان وجود است. و نه شرح انتخاب راه درد برای سالک حق جو. او «درد» را یکی از ابعاد راه رسیدن به کمال مطلوب می ستاید.

مگر در رسیدن به کمال مطلوب «عشق» و «اراده» را باهم تلفیق می دهد و به رجحان داشتن «درد» منحیث بستر حصول هدف تأکید می ورزد.

عطار با اندیشه های عرفانی خویش تلاش می ورزد که گونه های درمان بی دردی اهل زمانه اش را درمان نماید .
اوبالین رویکرد عالمانه مشکل « از خود بیگانی» احساس «عدم درد شناختی» انسان را برای زمانه اش برجسته می سازد .
عطار در این جا مشکل از خود بیگانگی احساس بی دردی را مترادف به بی تفاوتی و ناآگاهی از شناخت اهمیت همزیستی و همبستگی مردم دانسته ، ب فکر او یکی از گزینه های فهم رهایی از بی دردی انسان ، تقرب وی به درد عشق ، درد خدا ، و درد دین می باشد .
یعنی روند بیداری اندیشه درد شناختی ، رهایی تن از تعلقات دنیایی ست . که انسان میتواند به التزام اخلاق تطبیقی و پاکیزگی نفس وارد مقام خلافت الهی گردد .

می رود تا تن کند با جان بدن

در رساند تن به جان ، پیش از اجل (6)

آن عشقی را که عطار به توصیفش می پردازد نیروی خارق العاده ای است که شور و هیجان می آفریند و آتشی را در دل سالک راه حق ایجاد می کند که شعله های آن هرچه راکه غیر از حق در دل است می سوزاند و آنچه می ماند تجلیات حق است و محبت او .
عشق چیست از خویش بیرون آمدن

غرقه در دریای پرخون آمدن (7)

این اندیشه عطار با وضاحت خاص از شرح مرتبه « جمع » سیر سالک بسوی حق تعالی ، از خواجه عبدالله انصاری دانش گرفته است .

زیرا در مقامات معنوی انصاری - جمع بمعنی اشاره است بحق بدون خلق. سالک در این مقام با دو موضوع متضاد روبرو ست یک موضوع جمع و یک موضوع تفرقه . در راه در تفرقه است در منزل در جمع . در راه ، خلق را جدا از خدا می بیند ، در جمع تنها خدا می بیند . با الهام گیری از اندیشه انصاری ، عطار منبع پیدایی عشق را شعله ای می داند که از روی محبوب در دل تابیده ، وسیلاب عشق را در دل آفریدگان جاری ساخته است .

یک شعله آتش از رخ تو بر جهان فتاد

سیلاب عشق در دل مشتکی خراب بست (8)

در آموزش عرفانی مقام معنوی « نهایت » خواجه عبدالله انصاری ، حال سالک از معرفت به وصول توحید است . این مقام سیر سلوک عرفانی خود دارای ده جزء می باشد که مقوله عرفانی فناء بمتابیه مقام معنوی سیر سالک بسوی حق در رویکرد های فکری عارف فرهیخته خواجه عبدالله انصاری مورد بازشناختی قرار گرفته است که منظورش فناء ذات است ، زیرا در فناء ذات سالک بکمال مطلوب رسیده از قید اسارت نفس آزاد میگردد.

عطار آشکارا از آموزش عرفانی خواجه استفاده برده و- " فناء در عشق را سرمایه عمر جاویدان می داند و عاشق نیز باید چون معشوق بی نشان شود . " (9)

او " اصلاً شرط وصال را فناء می داند ، تا عاشق از خویش فانی شود حق از غیرت جمال ننماید . " (10)

وحدت وجود از نظر عطار ، هم سنخی خاصی با خواجه عبدالله انصاری دارد :

عطار در اندیشه وحدت وجود خود و فناء جزء در کل از هر اتحاد و حلول تبری می جوید وبگونه ای مطلق معتقد به استغراق جز در کل است .

او معتقد است که کثرت امر اعتباری است و وحدت امر حقیقی ، عالم نیز در عین کثرت واحد است .

عطار وحدت را وحدت عددی نمی داند . و کثرت را گونه های از صورت وحدت وجود می انگارد . با این رویکرد او بُعد دیگری از وحدت وجود را با تأثیر پذیری اندیشه خواجه عبدالله انصاری مورد باز شناختی قرار می دهد . (11)

مطلب وحدت وجود در عرفان خواجه به نحو دیگری شرح می گردد . باین معنا که سالک در شهادت بتوحید بدلیل محتاج نباشد ، در توکل ، بسبب نیازی پیدا نکند ، و برای نجات خویش بوسیله توسل نجوید .

پیر طریقت باری ، توحید را خارج از حیطة عقول دانسته و در قالب نثر مسجع آنرا چنین تعریف مینماید :

" توحید آن نیست که او را یگانه خوانی ، توحید آنست که او را یگانه دانی ، توحید آن نیست که او را بر سر زبان داری ، توحید آن است که او را در میان جان داری ، ... " (12)

- 1 - رجوع شود به صفحه (صفحه اصلی کتابخانه)
(www.tebyan.net >
- 2 - رجوع شود به : (- Vereinigte Staaten - /.../p... - farasatkah.blogspot.com)
- 3 - رجوع شود به صفحه : (صفحه اصلی کتابخانه) > www.tebyan.net.
- 4 - رساله « صد میدان » ، خواجه عبدالله انصاری ، باهتمام قاسم انصاری ، چاپ دوم 1360 خورشیدی ، صص 16 - 17 .
- 5 - رجوع شود به : مصیبت نامه عطار به تصحیح استاد شفیع کدکنی / مسعود رضوی فقیه ، ویا صفحه اینترنتی : مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (www.persian- language.org/criticism-1613.html -)
- (6) - کتاب " صدای بال سیمرغ " ، مؤلف : عبدالحسین زرین کوب ، ناشر: سخن ، سال 1386 ، ص 168 . ، رجوع شود به مصیبت نامه عطار / 59 .
- (7) کتاب : عشق در عرفان اسلامی (از بایزید تا جامی) ، مؤلف : کامیاب تالشی ، نصرت الله ، ص 205 . و رجوع شود به : دیوان غزل عطار / 530 / بیت 16 .
- (8) کتاب : اندیشه عرفانی عطار ، مؤلف : احمد محمدی ، ص 94 . رجوع شود به آثار : " دیوان عطار ، بیت 7 ، غزل 39 " و اثر : " اصطلاحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار " ، ص 426 ،
- (9) - (دیوان عطار 9 - 10 / 62) - (www.ido.ir/a.aspx?a=1387012502)
- (10) - (بیت 100 دیوان غزل 105)
(www.noormags.com/view/fa/articlepage/.../text -)
- (11) مرکز بزرگ اطلاع رسانی آل بیت .
(www.al-shia.org/html/far/books/.../81.htm -)
- (12) کشف اسرار و عده ابرار ، تفسیری از قرآن اثر ابوالفضل رشیدالدین میبیدی ست ، ج 3 ص 396 ؛ مقولات ، ص 6 .